

عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ قَالَ

مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً

هر کس بر محبت آل محمد از دنیا برود شهید مرده.

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُوراً لَهُ

متوجه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد آمرزیده است

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِباً

متوجه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد با توبه از دنیا رفته

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِناً مُسْتَكْمِلاً الْإِيمَانَ

متوجه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد با ایمان کامل از دنیا رفته

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بَشَّرَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ

متوجه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد ملک الموت باو بشارت بهشت میدهد بعد از او نکیر و منکر

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ يُرْفُ إِلَى الْجَنَّةِ كَمَا تَرْفُ الْعُرْسُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا

متوجه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد چنان با جلال او را به بهشت میبرند مانند عروسی که بخانه شوهر میرود

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ صُ فُتِحَ لَهُ فِي قَبْرِهِ بَابَانِ إِلَى الْجَنَّةِ

متوجه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد دربی از قبرش به بهشت گشوده می شود.

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ مَرَارَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ

متوجه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد خداوند قبر او را جایگاه زیارت ملائکه رحمت قرار میدهد

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ عَلَى السُّنَّةِ وَ الْجَمَاعَةِ

متوجه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد بر راه و روش پیامبر و جماعت مؤمنین مرده

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ

متوجه باشید هر کس با کینه آل محمد بمیرد روز قیامت که می آید بر پیشانی او نوشته است:

مَأْيُوسٍ مِنْ رَحْمَةِ خُداست

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِراً

متوجه باشید هر کس بر بغض آل محمد بمیرد کافر از دنیا رفته

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشَمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ

متوجه باشید هر کس بر بغض آل محمد بمیرد بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج ۲۳ ص ۲۳۳

عَنْ الْمُنْهَالِ بْنِ عَمْرٍ قَالَ كُنْتُ جَالِساً مَعَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ ع - إِذْ جَاءَهُ رَجُلٌ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ -

قَالَ الرَّجُلُ كَيْفَ أَنْتُمْ فَقَالَ لَهُ مُحَمَّدٌ - أَوْ مَا أَنْ لَكُمْ أَنْ تَعْلَمُوا كَيْفَ نَحْنُ - إِنَّمَا مَثَلْنَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ بَنِي إِسْرَائِيلَ

- كَانَ يُدَيِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ تَسْتَحْيَا نِسَاءَهُمْ - أَلَا وَ إِنَّ هَؤُلَاءِ يُدَيِّحُونَ أَبْنَاءَنَا وَ يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَنَا - زَعَمَتِ الْعَرَبُ أَنْ لَهُمْ

فَضْلاً عَلَى الْعَجَمِ - فَقَالَتْ الْعَجَمُ وَ بِمَا ذَلِكَ قَالُوا كَانَ مُحَمَّدٌ مَنَا عَرَبِيّاً - قَالُوا لَهُمْ صَدَقْتُمْ وَ زَعَمَتِ قُرَيْشٌ - أَنْ لَهَا

فَضْلاً عَلَى غَيْرِهَا مِنَ الْعَرَبِ - فَقَالَتْ لَهُمْ الْعَرَبُ مِنْ غَيْرِهِمْ وَ بِمَا ذَاكَ - قَالُوا كَانَ مُحَمَّدٌ قُرَشِيّاً قَالُوا لَهُمْ صَدَقْتُمْ -

فَإِنْ كَانَ الْقَوْمُ صَدَقُوا فَلَنَا فَضْلٌ عَلَى النَّاسِ - لِأَنَّا ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ خَاصَّةٌ وَ عِترَتُهُ - لَا يَشْرَكُنَا فِي ذَلِكَ غَيْرُنَا

- فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ وَ اللَّهُ إِنِّي لَأُحِبُّكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ - قَالَ فَاتَّخِذْ لِلْبَلَاءِ جَلْبَاباً - فَوَ اللَّهُ إِنَّهُ لَأَسْرَعُ إِلَيْنَا وَ إِلَى شِعْبَتِنَا -

مِنَ السَّيْلِ فِي الْوَادِي - وَ بِنَا يَبْدُو الْبَلَاءُ ثُمَّ بِكُمْ وَ بِنَا يَبْدُوا الرَّخَاءُ ثُمَّ بِكُمْ لأمالی للطوسی ص ۱۵۴

منهال بن عمر گفت: خدمت حضرت باقر نشستته بودم، مردی وارد شده سلام کرد امام

جواب داد. گفت: آقا چه طور هستید؟

فرمود: ممکن است وقتی برسد که شما بدانید به ما چه می گذرد. مثل ما در میان این امت

مانند بنی اسرائیل است که به دست فرعونیان گرفتار بودند. بچه های آن ها را می کشتند و زنان

را زنده نگه می داشتند. این ها نیز فرزندان ما را می کشند و زنان را زنده می گذارند. عرب خود

را بر جهانیان برتر می دانست به واسطه این که محمد از این نژاد بود، قریش نیز خود را از بقیه

عرب برتر می دانستند، مدعی بودند که چون محمد صلی الله علیه و آله وسلم از این طایفه است.

اگر ادعای آن ها صحیح است ما که از اولاد آن سروریم و از خاندان نزدیک او به شمار

می رویم.

آن مرد عرض کرد: به خدا قسم من شما خانواده را دوست می دارم.

فرمود: پس پوستین برای بلا آماده کن. به خدا سوگند بلا به دوستان ما نزدیک تر است

از جاری شدن سیل در کوهستان ها. ابتدا ما را هدف قرار می دهد سپس شما را.

فراخی و نعمت نیز از ما شروع می شود و به شما می رسد.

طاعت خواری، نافرمانی کفر

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: طاعت علی علیه السلام ذلت و خواری است، و

معصیت و نافرمانی او سبب کفر به خداست، عرض شد: ای رسول خدا چگونه طاعت علی ذلت

و نافرمانیش کفر بخدا است؟ فرمود:

هر آینه علی علیه السلام شما را بحق وامیدارد، پس اگر او را فرمان برید در دنیا) و در

نظر مردمان خوار باشید، و اگر نافرمانیش کنید بخدای عز و جل کافر شوید.

اصول کافی-ترجمه مصطفوی، ج ۴، ص: ۱۰۰

اقسام محبین اهل بیت عظیم السلام

مردی بر امام صادق علیه السلام وارد شد،

آن حضرت از وی پرسید: از چه کسانی هستی؟

وی گفت: از دوستداران و پیروان شما،

امام علیه السلام به او فرمود: خداوند تا دوستی بنده‌ای را نپذیرد وی را دوست نخواهد

داشت، و دوستیش را نپذیرد تا بهشت را بر او واجب گرداند،

سپس فرمود: تو از کدام [دسته از] دوستان ما می‌باشی؟

آن مرد سکوت کرد،

اقسام دوستان

در این بین یک تن از اصحاب بنام سدید به امام عرض کرد: ای زاده پیامبر مگر دوستان

شما چند دسته و گروهند؟!

فرمود: سه دسته و گروهند:

۱- گروهی از ایشان ما را آشکارا دوست دارند ولی در باطن میلی به ما ندارند،

۲- و گروهی در باطن ما را دوست دارند و در ظاهر به ما میلی ندارند،

۳- و گروهی در ظاهر و باطن به ما عشق می‌ورزند، (طبقه اول)

و اینان عالی‌ترین گروه مردمند، از آبی شیرین و گوارا نوشیده‌اند و تأویل قرآن را دانسته،

و سخن جداکننده حق از باطل را دریافته‌اند، و سبب سبب‌ها را می‌دانند، و اینانند عالی‌ترین

گروه مردم، فقر و نیازمندی و انواع بلا سریع‌تر از تاختن اسب بر سرشان روان است، بدیشان

سختی و رنج و آسیب رسیده و چنان پریشان و گرفتار شده‌اند که دسته‌ای از ایشان زخمی و

گروهی کشته شدند، و در شهرهای دور افتاده پراکنده شدند، به برکت ایشان است که

خداوند بیمار را شفا می‌بخشد، و فقیر را توانگر می‌کند، و به حرمت آنان است که شما یاری

می‌شوید، و باران بر سرتان می‌بارد، و روزی داده می‌شوید، آنانند که هر چند تعدادشان کم و

اندک است ولی در پیشگاه خداوند دارای قدر و منزلتی عظیم و بزرگ می‌باشند.

و گروه اول که پائین‌ترین گروه مردمند، آشکارا ما را دوست می‌دارند (و در نهان ما را

دوست ندارند)، و رفتارشان به‌مانند پادشاهان است، اینان زبانشان با ما (یعنی: در حدّ شعار)

و شمشیرهایشان بر علیه ما است، و گروه دوم که طبقه میانی مردمند، در باطن ما را دوست

دارند و در ظاهر به ما میلی ندارند، و به‌جانم سوگند آنهایی که در نهان ما را دوست می‌دارند

روزها را روزه می‌دارند و شب‌ها را به نماز می‌گذرانند، اثر شب‌زنده‌داری و ترک دنیا در چهره

آنها هست، آنها اهل مسالمت و فرمان برداری هستند.

آن مرد گفت: در این صورت من از دوستان آشکار و نهان شمایم!

نشانه‌های دوستان

امام علیه السلام فرمود: براستی دوستان آشکار و نهان ما نیز نشانه‌هایی دارند که گویای

شخصیت آنان است.

آن مرد گفت: آن نشانه‌ها کدامند؟

فرمود: خصلت‌هایی که نخستین آن‌ها این است که ایشان مسأله توحید (یکتاپرستی) را

به‌طور صحیح شناخته و علمش را تکمیل کرده‌اند، و زان پس به ایمان به خدا و صفاتش

پرداخته‌اند، سپس از حدود و حقائق و شروط و تأویل‌های ایمان باخبر شده و بدان پی

برده‌اند... تحف العقول عن آل الرسول ص ۳۲۵

دوستی با گناه نفعی ندارد

جابر بن یزید جعفی گفت هجده سال بخدمتکاری امام و مولایم حضرت باقر اشتغال

داشتم وقتی خواستم از خدمت آن جناب خارج شوم وداع کرده گفتم مرا بهره‌ای برسان

مولایم فرمود جابر پس از هجده سال (باز هم برایت چیزی بگویم) گفتم آری شما دریای

خشک ناشدنی و ژرف و بی‌پایان هستید فرمود: جابر سلام مرا به شیعیانم برسان بآن‌ها بگو

بین ما و خدا خویشاوندی نیست و نمیتوان

مقرب درگاه او شد مگر باطاعت جابر هر که مطیع خدا باشد و دوستدار ما ولی ما است و

هر که معصیت خدا را کند دوستی ما به او نفعی نمی‌بخشد.

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۷۵، ص: ۱۸۲